

پایگاه نشر آثار و دروس

سُرُوبِ خَاطِرِ فِقْهٍ



آیت‌الله حاج شیخ محمد تقی پور محمدی

فقه الربا

(جلسه سی و سوم)

جلسه ۳۳

(۹۸/۰۲/۰۷)

مسأله پنجم

حضرت امام در مسأله پنجم می‌فرمایند: «لو كان لشيء حالة رطوبة و جفاف كالرطب و التمر و العنب و الزبيب و كذا الخبز بل و اللحم يكون نيأ^۱ ثم صار قديداً^۲ فلا إشكال في بيع جافة بجافه و رطبه برطبه مثلا بمثل، كما أنه لا يجوز بالتفاضل، و أما جافة برطبه كبيع التمر بالرطب ففي جوازه إشكال، و الأحوط عدم سواء كان بالتفاضل أو مثلا بمثل»^۳. ایشان می‌فرمایند: «اگر برای چیزی حالت تری و خشکی باشد مانند رطب و خرما، انگور و کشمش، و همچنین نان، بلکه گوشتی که نپخته است (تازه است)، سپس خشک شود، پس فروختن خشک آن به خشکش، و تر آن به ترش مثلا به مثل (بدون تفاضل) اشکالی ندارد، کما اینکه با تفاضل و زیادت (بین آنها) جایز نیست. و اما خشک آن به مرطوب آن مانند بیع خرما به رطب، پس در جواز آن اشکال است، و احتیاط عدم جواز آن است چه با تفاضل باشد یا مثل به مثل باشد».

در اینجا چند صورت وجود دارد:

صورت اول: بیع خشک در برابر خشک مثلا به مثل بدون تفاضل، این صورت جائز است.

صورت دوم: بیع رطب (تر) در برابر رطب مثلا به مثل بدون تفاضل، این صورت نیز جائز است.

صورت سوم: بیع خشک در برابر خشک یا رطب در برابر رطب همراه با تفاضل، این صورت جائز نیست.

مشهور قائل شده‌اند که در دو صورت اول بیع صحیح و جائز است ولی در صورت سوم جائز نیست.

صورت چهارم: بیع خشک در برابر رطب، مثل بیع تمر در برابر رطب، بیع کشمش در برابر انگور، بیع گوشت خشک شده در برابر گوشت تازه، بیع نان خشک شده در برابر نان تازه.

حضرت امام در مورد صورت چهارم فرمودند که چه با تفاضل باشد و چه مثلا به مثل باشد، احتیاط عدم جواز است.

مرحوم شیخ در خلاف فرموده است: «يجوز بيع الرطب بالرطب و به قال محمد، و أبو يوسف، و مالك، و المزني. و قال الشافعي: لا يجوز. دليلنا: الآية، و دلالة الأصل، و المنع يحتاج إلى دليل»^۴. مرحوم شیخ می‌فرماید: بیع رطب در مقابل رطب جائز است. محمد بن حسن شیبانی (شاگرد ابوحنیفه) و ابویوسف و مالک و مزنی به این قول (جواز) قائل شده‌اند. شافعی گفته است: جائز نیست. دلیل ما بر جواز آیه شریفه «وَ أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ» است که اطلاق دارد و شامل این مورد هم می‌شود. و همچنین اصل نیز دال بر جواز است. اگر در چنین معامله‌ای شک کردیم که جائز است یا نه، اصل جواز است. مگر اینکه دلیل خاصی بر عدم جواز وجود داشته باشد.

^۱ گوشت تازه‌ای که نپخته است.

^۲ گوشتی که قطعه قطعه شده و در اثر قرار گرفتن در زیر نور خورشید خشک شده است.

^۳ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۵۳۸.

^۴ خلاف، ج ۳، ص ۶۵، مسأله ۱۰۶.

آنچه که مورد اتفاق است:

استاد بزرگوار می‌فرماید: در کلام حضرت امام برای این مورد به بیع رطب و تمر، بیع عنب و زبیب مثال زده شده بود، ولی در کلام مرحوم شیخ بیع رطب در مقابل رطب ذکر شده است. شاید منظور مرحوم شیخ از این تمثیل، مماثلت باشد یعنی اگر این دو مثلا به مثل و بدون تفاضل معامله شوند جائز است. بدون اینکه خصوصیتی در این مثال وجود داشته باشد. ایشان مطلقا مماثلت را اراده نموده‌اند بدون فرق بین خشک و تر (خشک در برابر خشک یا تر در برابر تر)، و بدون فرق بین رطب و عنب.

بنابراین حاصل کلام مرحوم شیخ حکم به جواز است در صورتی که مثلا به مثل باشد. و این قول مختار مرحوم امام نیز می‌باشد.

آنچه که مورد اختلاف است:

مرحوم شیخ در خلاف می‌فرماید: «لا يجوز بيع الرطب بالتمر، فأما بيع العنب بالزبيب، أو ثمرة رطباً بيايسها مثل التين الرطب بالجاف، و الخوخ الرطب بالمقدد و ما أشبه ذلك، فلا نص لأصحابنا فيه، و الأصل جوازه، لأن حملها على الرطب قياس، و نحن لا نقول به. و قال الشافعي: إن جميع ذلك لا يجوز. و به قال سعيد بن المسيب، و مالك، و الليث بن سعد، و أحمد، و إسحاق، و أبو يوسف، و محمد. و قال أبو حنيفة: يجوز ذلك كله. و أظن أبا ثور معه. دليلنا على منع بيع الرطب بالتمر: إجماع الفرقة و أخبارهم، و على جواز الباقي الآية و دلالة الأصل، و المنع يحتاج إلى دليل، و حمله على الرطب قياس، و هو عندنا فاسد»⁵. ایشان می‌فرمایند: بیع رطب در برابر تمر جائز نیست، اما بیع انگور در برابر کشمش، یا میوه مرطوب در برابر خشک آن مثل زیتون مرطوب در برابر زیتون خشک، و هلوی مرطوب در برابر هلوی خشک و مانند این موارد نصی برای اصحاب ما در این مورد نیست و اصل جواز است چون حمل این موارد بر رطب قیاس بوده و ما به قیاس قائل نیستیم. ظاهر از عبارت مرحوم شیخ اینست که منع را مخصوص به قسم واحد یعنی بیع رطب در برابر تمر نموده است. اما در مورد سایر میوه‌ها قائل به جواز شده است، اگرچه یکی خشک و دیگری مرطوب باشد.

مرحوم محقق در شرائع می‌فرماید: «و المراعى فى المساواة وقت الاتباع، فلو باع لحماً نياً بمقدد متساوياً جاز و كذا لو باع بسرّاً برطب و كذا لو باع حنطة مبلولة بيايسه لتحقق المماثلة و قيل بالمنع نظراً إلى تحقق النقصان عند الجفاف أو إلى انضیاف أجزاء مائية مجهولة. و فى بيع الرطب بالتمر تردد و الأظهر اختصاصه بالمنع اعتماداً على أشهر الروایتين». ایشان می‌فرماید: آنچه که در مساوات باید رعایت شود، وقت معامله است، پس اگر گوشت تازه در برابر گوشت خشک شده معامله شود بدون تفاضل، جائز است، اگر بسر (خرمای تازه و نارس) را در برابر رطب بفروشد جائز است و همچنین اگر گندم مرطوب را در برابر خشک آن معامله کند جائز است، چون مماثلت تحقق دارد. بعضی‌ها گفته‌اند که جائز نیست بخاطر اینکه هنگام خشک شدن وزنش کم می‌شود و یا در صورت مرطوب بودن اینکه چه مقدار به ازای اجزاء آبی آن اضافه شده، مجهول می‌گردد. در بیع رطب در برابر تمر تردد و اشکال است. اظهر اختصاص آن به عدم جواز می‌باشد، بخاطر اعتماد به مشهور روایتین.

⁵ خلاف، ج ۳، ص ۶۴، مسأله ۱۰۵.

⁶ شرائع الإسلام، ج ۲، ص ۴۰.

حضرت استاد می‌فرمایند: مرحوم محقق نیز با مرحوم شیخ هم عقیده است. ایشان نیز منع را مخصوص به یک صورت یعنی بیع رطب در برابر تمر کرده است و این بخاطر نصی است که در این مورد وارد شده است، اما در بقیه موارد چون نصی وجود ندارد اصل جواز است. بنابراین نظر مرحوم محقق و مرحوم شیخ یکی است. مرحوم شیخ بیع رطب در برابر تمر را جائز ندانسته است و مرحوم محقق نیز گرچه در اول کلمه «تردد» را ذکر کرده ولی در ادامه این قسم را ممنوع دانسته است.

پس تا اینجا روشن شد که بیع متماثلین چه خشک باشند و چه مرطوب جائز است و بیع متخالفین جائز است مگر در مورد رطب در برابر تمر که بخاطر وجود نصّ جائز نیست.

اقوال در مسأله:

ظاهر از اقوال اینست که در بیع رطب با رطب یا خشک با خشک اختلافی نیست. فقط اختلاف در جایی است که یکی از عوضین رطب باشد و دیگری خشک باشد. در این مسأله چند قول وجود دارد:

قول اول: تخصیص منع و عدم جواز به یک صورت که رطب در مقابل تمر است، بخاطر نصی که در این مورد وجود دارد. این قول مرحوم محقق و مرحوم شیخ است.

قول دوم: عمومیت منع، چه رطب در مقابل تمر باشد و چه در میوه‌های دیگر. اگر یکی از عوضین رطب و دیگری خشک باشد جائز نخواهد بود. این قول مرحوم امام است.

قول سوم: تخصیص منع و عدم جواز به رطوبت عرضی مثل گندمی که مرطوب باشد در مقابل گندم خشک. اما اگر رطوبت ذاتی باشد جائز است مثل بیع انگور در مقابل کشمش. این قولی است که مرحوم سید یزدی از کتاب «مبسوط» مرحوم شیخ حکایت کرده است.⁷

با توجه به این مطلب روشن می‌شود که مرحوم شیخ در کتاب خلاف فقط بیع رطب در مقابل تمر را ممنوع کرده است، ولی در کتاب مبسوط با توجه به حکایت مرحوم سید منع را مختص به رطوبت عرضی دانسته است. البته مرحوم شیخ این فتوا را در کتب دیگرش ذکر نکرده است.

قول چهارم: جواز مطلقاً، حتی در بیع رطب در برابر تمر. در این قول نهی که در روایت در مورد رطب با تمر وارد شده، به کراهت حمل شده است. این قولی است که مرحوم سید یزدی در عروه به آن قائل شده است.⁸ قبل از اینکه روایات را ذکر کنیم، لازم است توضیحی در رابطه با محل نزاع بیان کنیم و آن اینکه محل نزاع مشتمل بر دو امر است:

امر اول: یکی از عوضین رطب و دیگری خشک باشد، بدون فرق بین تمر و غیر آن از میوه‌های دیگر. اگر مثلاً به مثل باشند و در وزن و کیل یکی باشد اشکالی ندارد، ولی اگر مع التفاضل باشند ربای معاوضی پیش می‌آید.

⁷ تکملة العروه، ج ۱، ص ۴۰، مسأله ۴۶ من کتاب الربا.

⁸ همان.

امر دوم: اگر قائل به ممنوعیت در تمام صور شویم و یا ممنوعیت را فقط در یک صورت یعنی بیع رطب با تمر بدانیم، منع مذکور استثناء از قاعده خواهد بود. قاعده این بود که بیع متجانسین در صورتی که مثلاً به مثل باشد جائز است، در حالیکه بیع رطب با تمر در صورت مثلاً به مثل بودن جائز نیست و این خروج از قاعده مذکور می‌باشد.

روایات:

روایات در این باب بر دو طائفه هستند:

طائفه اول: روایاتی است که دلالت بر منع مطلق دارند بخاطر عموم تعلیلی که در ذیل آن روایات وجود دارد.

روایت اول) «مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ حَمَّادِ بْنِ الْحَلْبِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: لَا يَصْلُحُ التَّمْرُ الْيَابِسُ بِالرُّطْبِ مِنْ أَجْلِ أَنْ التَّمْرُ يَابِسٌ وَ الرُّطْبُ رَطْبٌ فَإِذَا يَبَسَ نَقَصَ، الْحَدِيثُ»⁹.

روایت دوم) «وَعَنْهُ عَنِ النَّضْرِ عَنِ عَاصِمِ بْنِ حَمِيدٍ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) فِي حَدِيثٍ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) كَرِهَ أَنْ يُبَاعَ التَّمْرُ بِالرُّطْبِ عَاجِلًا بِمِثْلِ كَيْلِهِ إِلَى أَجْلِ مِنْ أَجْلِ أَنْ التَّمْرَ يَبَسُ فَيَنْقُصُ مِنْ كَيْلِهِ»¹⁰.

روایت سوم) «وَبِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنِ جَعْفَرٍ عَنِ دَاوُدَ بْنِ سِرْحَانَ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ لَا يَصْلُحُ التَّمْرُ بِالرُّطْبِ إِنْ الرُّطْبُ رَطْبٌ وَ التَّمْرُ يَابِسٌ فَإِذَا يَبَسَ الرُّطْبُ نَقَصَ»¹¹.

پایان جلسه سی و سوم

⁹ . وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۱۴۸، کتاب التجارة، باب ۱۴ من أبواب الربا، ح ۱.

¹⁰ . وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۱۴۹، کتاب التجارة، باب ۱۴ من أبواب الربا، ح ۲.

¹¹ . وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۱۵۰، کتاب التجارة، باب ۱۴ من أبواب الربا، ح ۶.